

نامه‌های مجاهدان و رزم‌آوران ارتش آزادی

غلطهای زیادی وزارت اطلاعات و عنترش

پاسخ به آخوند یونسی و مزدور کثیف ادعاهای طیبی

وزارت اطلاعات رژیم آخوندی، بعد از در هم شکسته شدن طر حهای نفوذ و توطئه‌های تروریستی اش علیه ارتش آزادیبخش، از حلقوم یک مزدور کثیف به نام ادعاهای طیبی، جیب بنفش سرداده که «بار دیگر به اعتماد خلق خیانت شده» و «اینبار نه توسط خمینی و رژیم جمهوری اسلامی، بلکه توسط رهبری سازمان مجاهدین» و «بعد هم توجه تمامی ارگانهای حقوق بشری و سازمانهای سیاسی (۱۲)» را به محاکمه و شکنجه این جنایتان «جلب» کرده است!

بعد از خودکشی شدن سعید امامی، عنترهای لوطی مرده ولایت ارتجاع با چه ناشیگری محیرالعقولی تشنات رژیم منفور و محکوم (۹۹ قطعنامه ملل متحد) را برای برگرداندن برگ حقوق بشر از «خمینی و رژیم جمهوری اسلامی» به جانب «رهبری سازمان مجاهدین» لو می دهند.

سعید امامی و آخوند فلاحیان وقتی می خواستند برگ حقوق بشر را علیه مجاهدین برگردانند، برای صحنه سازی، کشیشان مسیحی را می ربودند و می کشتند و سرهای بریده را در یخچال می گذاشتند و چند عنتر را هم در فضائیه آخوندی محاکمه نمایشی می کردند و بعد از طریق مأموران اعزامی و استخدامی در خارجه پاچه «نقض حقوق بشر توسط مجاهدین» را می گرفتند. با این همه، طر حهایشان دود شد و دودش

به چشم کور خودشان رفت و مأموران خودشان جزئیات بسیج «حقوق بشری» به سبک وزارت جاسوسی و آدمکشی را بر ملا کردند.

بنابراین، تکلیف آخوند یونسی و عنترها و قورباغه هایی که این چنین بی گذار و پابره به آب زده اند و با صدور سریع السیر به خارجه، اندر باب محاکمه و شکنجه ما ابو عطا می خوانند و غلطهای زیادی می کنند، ناگفته روشن است.

لازم نمی بینیم در برابر خلق قهرمان و نسل آتش و خون یادآوری کنیم که اعتماد مردم ایران به مجاهدین با رزم و رنج و رود خروشان شهیدان، با قیام به عملیات نظامی و نبرد بی امان سیاسی علیه رژیم پلید آخوندی و بخصوص با «عملیات جاری» که خالصانه ترین و عمیق ترین مبارزه ایدئولوژیکی و انتقاد و انتقاد از خود هر عنصر انقلابی و هر مجاهد خلق در برابر جمع است، حاصل میشود. بنابراین به آخوند یونسی و عنترش میگویم بپهوده ما را از مبارزه ایدئولوژیکی که به آن مقتخریم نترسانند. لابد که مزدوران نفوذی گزارش کرده اند که مسعود رجوی از روز نخست با ما شرط کرده است که روزی در نازی آباد و جوادیه و میدان شوش همگی باید در برابر خلق مجبوریمان از خود و کمی و کاستی ها و غفلت ها و نکرده ها و لغزشهایمان بگوییم. نوارهای ویدئویی درونی مجاهدین برای چنین روزی نگهداری

شده اند و جز بر شرف ما و اعتماد خلقمان نمی افزایند. بنابراین وقتی فراردهای میلیاردی برای خرید برچسب تروریستی علیه مجاهدین، در برابر نهضت ایرانیان آگاه و اعتبار جهانی و اقتدار سیاسی و نظامی مجاهدین و ارتش آزادی به سرعت برق و باد دود می شود و طراحان ارتجاعی و استعمارباری مجبور می شوند، سرهای شکسته را به صخره های دماوند بکوبند، به دستگاه جاسوسی و آدمکشی و عنترهای استخدامی، باید گفت: هر چه می خواهید سرتان را در زیر قبای ملا در لجن ارتجاع فرو نموده و علیه مجاهدین و ارتش آزادی به گندگاو چاله دهانی بپردازید اما نفرت فرزانده جهانی از فاشیسم مذهبی و دیکتاتوری تروریستی، چاره کردنی نیست!

عجالتاً ما و دیگر رزم آوران ارتش آزادی که برای ریشه کن کردن رژیم پلید خمینی آماده می شویم، برای مزدور کثیف، یک جواب بیشتر نداریم: ایکاش رهبر همین مقاومت مانع نمی شد تا ببینی که هر مجاهد خلق و هر انقلابی چگونه با مزدوران اطلاعات دشمن ضدبشری مقابله میکند. **اسب کهر را بنگر!**

۱۰ مرداد ۱۳۸۱

مهدی افتخاری - جمال امیری - غلامرضا شکری - مسعود ضرغامی - حمید فلاحی - خلیل محمدی نسب

اراجیف دیکته شده وزارت اطلاعات توسط مزدور کار گزار ادعاهای طیبی، نیاز به پاسخگویی ندارد. اما فقط از زاویه روشنگری و زدن پنبه وزارت اطلاعات که شخص آخوند یونسی پشت آن سنگ گرفته است، به چند نکته اشاره می کنم:

۱- از بند بند این دست و پا زدنهای پلاست باز که مرغ بخته را هم به خنده و امی دارد، دم خروس وزارت اطلاعات و دماغ سوختگی آخوند یونسی و رژیم پابگور قرون وسطایی بیرون زده است. در پس این داد و فغانها و به صحنه آوردن این قبیل مأموران سوخته و آبرو باخته، حقانیت مقاومتی غرقه به خون را می توان نتیجه گیری کرد. مقاومتی که رژیم آخوندی را در بن بست استراتژیک قرار داده است.

وقتی اطلاعاتیه مزدور اطلاعات (ادعاهای طیبی) را خواندم اولین جمله ای که به ذهنم زد این بود که «دریا هرگز نگرده از پوزه سنگ نجس»!

مزدور کثیف و خود فروخته در اطلاعاتیه ای که آخوند یونسی برایش دیکته کرده است ضمن یکسری اراجیف و ادعاهای ساختگی و پاره های تشخوار شده تکراری علیه مجاهدین با کمال بیسرافتی و ردبیت پیشگی اسم مرا بعنوان یکی از کسانی که مجاهدین با وی چنین و چنان کرده اند برده است ...

به آخوند یونسی میگویم که این یکی نیز در ردیف همان کارتهای سوخته وزارت خیانت و آدمکشی توست و بدان که طرفی نخواهی بست. وقتی قلب بدیهی ترین واقعیتها و تحریف آنها را در این اطلاعاتیه خواندم قبل از هر چیز یک بار دیگر به حقانیت این مسیر پی بردم و بار دیگر اوج دنائت مزدوران و مواجیب بگیران اطلاعات آخوندی برابم بیشتر بارز شد و این سوال برابم پیش آمد که راستی علت این همه کین توری حیوانی و سبعانه دشمن و مزدورانش علیه رهبر این مقاومت بخاطر چیست؟ لابد که سرفروشت یک خلق و میهن در میان است ...

طبعاً ما به فرمان فرماندهی کل ارتش آزادی گردن نهادیم اما بعنوان یک رزمنده ارتش آزادی حق داریم که اختلاف نظر خود را بازگو کنیم که اعدام تنها جواب برحق این مزدوران است. پس بگذارید با صدای بلند بگوییم که اگر می خواهید مرا ببینید نه در خارجه بلکه مطمئن باشید پشت مگسک سلاحی که بطرف شما نشانه رفته است خواهید دید.

اگر آخوند یونسی فکر می کند با این شگردها و کارتهای سوخته میتواند مانعی در راه مبارزه با ریش و ریشه رژیم آخوندی ایجاد کند، هیات ... وقتی از مقاومت سخن گفته می شود معنی آن برای همه کسانی که بطور جدی به نجات میهن و سرنگونی می اندیشند روشن است.

مقاومت یعنی عزم و اراده مردم، یعنی مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی تام و تمام حکومت آخوندی با تمامی جناحها و مزدورانش. و من و تمامی رزمندگان ارتش آزادی تا بن استخوان به آن متعهدیم.

پس پاسخ و حرف ما در یک کلام در صحنه نبرد نهایی نثاران خواهد شد.

درد بر رجوی
مرگ بر رژیم آخوندی
مرگ بر وزارت اطلاعات و تمامی مزدورانش
زنده باد ارتش آزادیبخش ملی ایران
بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران
شهاب اختیاری
(رزمنده پیرو مذهب اهل حق در ارتش آزادیبخش)
۸۱/۵/۱۳

۲- بعد از تظاهرات ۳۰ هزار نفره ایرانیان در حمایت از سازمان مجاهدین خلق و ارتش آزادیبخش و بعد از در هم شکستن طر حهای نفوذ توطئه های تروریستی وزارت جاسوسی و آدمکشی، این قبیل تشنات تعجب آور نیست. به خیال خود می خواهند چهره مقاومت را مخدوش کنند و نظام پوسیده را چند صباحی بیشتر سرپا نگهدارند. ولی کور خوانده اند چون حقیقت بر همگان واضح است و از این ترندها چیزی عایدشان نخواهد شد.

۳- در حالی که همه روزه شاهد تظاهرات و اعتراضات مردمی در سرتاسر ایران می باشیم و مردم به جان آمده به حمایت از فرزندان مجاهدشان هر روز تمامیت رژیم آخوندی را به مبارزه می طلبند و در حالیکه رژیم هر روز بیشتر از قبل به جان مردم و جوانان افتاده و با سرکوب های وحشیانه می خواهد هر گز نه اعتراضی را خفه کند، سزای وزارت اطلاعات و مزدورانی از این نوع که در خدمت رژیم خون آشام هستند، چیزی جز گلوله های آتشین نیست.

مطمئناً بعد از تحقق پیروزی به دست ارتش آزادیبخش، مردم ایران قضاوت خود را خواهند کرد.

درد بر رجوی
زنده باد رئیس جمهور برگزیده مقاومت
مرگ بر رژیم آخوندی
پیروز باد ارتش آزادیبخش ملی ایران

حسین مشعوفی
۸۱/۵/۱۵

بنام خلق قهرمان ایران
بنام نامی شهدای راه آزادی که با خونشان، راه و آرمانشان را در برابر هرگونه کینه توزی، سواستفاده ها، سفید سازی های مسموم کننده، بریدگی و انفعال و ... جاودانه نموده و آن را نگاهبانی و پاس داشتند.

ابتدا از سازمان مجاهدین خلق ایران درخواست دارم که اجازه انتشار بیرونی این نامه را بدهند.

اینجانب علی مرادی رزمنده، مارکسیست لنینیست در ارتش آزادیبخش ملی ایران، اخیراً از اطلاعاتیه ای که توسط مزدوری بنام ادعاهای طیبی منتشر شده، مطلع شدم.

فرد مزبور که در اطلاعاتیه اش یک دوجین نام و نشان، الفاظ و القاب از معاون عضو ستاد (؟!) و عضو شورای مرکزی مجاهدین تا کارگردان و طنز پرداز و شعبده باز و ... رابه دم خودش بسته تا قیمتش را در بازار مکاره رژیم آخوندی بالا ببرد، به طرز مضحکی از دار و درفش و شکنجه، از محاکمه و ... در داخل سازمان مجاهدین سخن گفته و با خوش رقصی برای رژیم آخوندی و دنباله های خارجه نشین از کد مشتری استفاده کرده که سابقاً با عبارت «نیر وهای صادق و رهبران ناصداق» از مجاهدین نام می بردند.

این یکی هم، به کرات، با یقه چاک دادن و خااک بر سر ریختن، فریاد سر داده که بیایید و به یاری آگاهترین، فداکارترین، رشیدترین و صادق ترین فرزندان خلق که در دست مسعود و مریم رجوی گیر افتاده اند بشتابید! (بخنده حضار!)

عجبا که حماقت اطلاعات آخوندها، بی حد و حصر است و حداقل قبل از نوشتن این جملات لحظه ای فکر نکردند که این همه صفات نیک و این همه نیرو با این ویژگیها کجا و حول چه محور و لنگری جمع شده اند که در مقابل تمام طوفانهای حوادث، چون کوه استوار ایستاده اند. راستی اگر نیروها و رزم آوران آزادی دارای این صفات هستند دیگر و کالت یک تفاله مزدور افشاء شده چه حاجت است؟

نامبرده در عین حال که گاف کرده و بند را آب داده است، در عین حال میخوهد «آگاهترین، صادق ترین، فداکارترین و رشیدترین فرزندان خلق» را به خیال خود از رهبران نشان جدا کند و آنان را به جان آمده جلوه دهد! این کوه تناقض را فقط حمایاری چون او میتواند حمل کند.

به ادعای وی در داخل سازمان مجاهدین، افراد ناراضی بدون وکیل مدافع محاکمه میشوند. طفلکی در دیدار با نماینده وزارت اطلاعات آخوندی به یک درجه و کالت هم نائل آمده است تا به دفاع از افرادی پردازد که با عزمی راسخ در صفوف رزمندگان آزادی میباشند و نه نیازی به دفاع او دارند و نه منتظر چراغ سبز اقتاد در کشورهای اروپایی هستند. همانها که در آینده ای نه چندان دور خودشان با صغیر مسلسلهایشان در اوج زندگی، و یا با خونشان بر

قله رفیع شهادت، به دفاع از آرمانهای انقلابیشان و به دفاع از خلق قهرمان ایران برخوانند خاست. نکته بعد اینکه شخص منور مزبور پس از کسب اطمینان از اینکه به یکی از کشورهای اروپایی رسانده شده خودش را در امن ترین نقطه برای خیانت و مزدوری و نزدیکی به یک گونی تفاله دیگر یافته و می گوید «لازم میدانم اکنون بدین وسیله جدانشدن خود را از جریان موسوم به سازمان مجاهدین خلق اعلام کنم!»

حال باید گفت، اگر این «اعلام جدایی» دیررس (پس از افشاء در گزارش مدیریت ضداطلاعات ارتش آزادیبخش) «برای کسب آرزوهای دیرین آزادی ورهائی مردم ایران» است و از گم کردن یک مأمور اعزامی وزارت اطلاعات نیست، لطفاً بفرمایید در جلوتر از ارتش آزادی، یعنی نزدیکتر به مرز ایران، پایگاه و میدان رزم بنا کنید و از آنجا به مبارزه با رژیم ضد ایرانی به مبارزه برخیزید تا اعتماد خلق را به خود جذب کنید تا خلق نیز به یاری شما بشتابند. آخر رژیم جمهوری اسلامی، در ونیز یا در کنار رود سن که حاکم نیست ...

در غیر اینصورت ... یکبار مصرف خواهی بود که پس از قی کردن خزعبلات بدور افکنده خواهی شد. زیرا این راه را پیش تر از تو افرادی دیگر رفته اند و طرفی نیستند: کریم حقی، علی قرآستی، نوروزعلی رضوانی و ...

هدف از نوشتن این مطلب از اساس، نه دفاع از مجاهدین و رهبران آنان و نه دفاع از مناسبات درونی مجاهدین و ارتش آزادی است زیرا نیازی به این کار ندارند. خون یکصد و بیست هزار شهید چون برق درخشان خورشید برپاکبازی و صداقت رهبری این مقاومت آقای مسعود رجوی و رئیس جمهور برگزیده اش خانم مریم رجوی و بر حقانیت این راه و این مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی گواهی خواهد داد و اعتماد توده ها نیز در همین خون و خیزش های عظیم مردم متبلور میشود.

من برای پاسخگویی به اطلاعاتیه نوکر دست چندم وزارت اطلاعات دست به قلم نبرده ام آنچه مرا به این امر واداشت مسئولیت و وجدان انقلابی است که بر هر انقلابی حکم میکند همواره هوشیار و آماده در کمین لحظه ها بشتابند و مرز داشته باشد و خود را از آلودگی بزداید.

اینجانب بعنوان یک انقلابی در صفوف ارتش آزادیبخش در خلال سالیان حضورم شاهد حقایقی بوده ام که می بایست به آن گواهی دهم و همچنین نسبت به مفاهیم و عباراتی چون «مردم ستم دیده» و «اعتماد توده ها» که برای مزدوری و خدمت به رژیم مورد سواستفاده مزدور وزارت اطلاعات قرار گرفته اند، احساس و رابطه ای دارم که باید پاسخ بدهم: دست خردکوتاه! دهانت را آب بکش و واژه ها و مفاهیم را آلوده نکن.

علی مرادی
۸۱/۵/۱۲

با شنیدن خبر مزدوری و دعای ادعاهای طیبی، هر وجدان آگاه و بیداری به خروش در می آید و هر فرد انقلابی لاجرم در مقابل آن موضع می گیرد. من بعنوان یک مبارز و یک رزمنده ارتش آزادیبخش، بیان یک نکته را ضروری می دانم و متقاضی انتشار آن هستم:

قبل از هر چیز، فزای به دامن وزارت اطلاعات و سر در آوردن از آخور آخوندها مثل روز روشن است. سوال اصلی از این مزدور که سعی میکند اثر در لابلای القاب و عناوین پرشالی بیوشاند، اینست که بگو ببینم چگونه یک شبه پس از این همه سوابق که برای خودت تراشیده ای چرخشمداری پیشه کردی؟! علی القاعده با این همه سابقه سازی نمی باید هیچ چیز در درون مجاهدین یا ارتش آزادیبخش برای تو جدید بوده باشد.

پس چه شد که این همه سال نه به فکر غلط بودن استراتژی و ناکتیک افتادی و نه از رهبری مقاومت شکایتی داشتی و نه از مناسبات سازمان مجاهدین خلق ایران و ...

بنابراین مأموریت و مزدوری این فرد هیچ تردیدی بر نمی دارد. زیرا اگر بگویم مأمور و طعمه اطلاعات آخوندها نیست، با توجه به القاب و عناوینی که خودش عنوان میکند، پس باید بگویم که چیست و کیست؟ وانگهی هم کاشه شدن و هم خانه شدن با مزدوران و مأموران پیشانی سیاه خارجه نشین تصادفی است؟! پرونده سازی کذب از مسائل تشکیلاتی و درون سازمانی مجاهدین چطور؟! این یکی دیگر کار چه کسی جز یک مزدور وزارت اطلاعات می تواند باشد؟

کسی که نشستههای انتقاد و انتقاد از خود (عملیات جاری) را که یکی از اصول تشکیلاتی هر سازمان انقلابی است، «بیدادگاه» میخواند و مجاهدان و رزمندگان ارتش آزادیبخش را بعنوان محکومینی که بدون حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع محاکمه شده اند، جلوه میدهد، چرا و بخاطر چه کسی و در برابر چه چیزی اینچنین لاطاللات مسخره و احمقانه را عنوان میکند؟

حال آنکه ما خود شاهد بوده ایم که سازمان مجاهدین خلق ایران از افرادی که نفوذی بوده اند و از طرف وزارت اطلاعات آخوندی فرستاده شده اند نیز، هیچ حساسی نکرده و فقط با بیان نام آنها بعنوان مزدور و جاسوس، آنها را آزاد کرده است که این خود نشانگر قدرت سازمان و رهبری مقاومت است و البته هر کس یا هر گروهی را توان این کار نیست.

ابراهیم خدایی
۸۱/۵/۱۲

عجبا که حماقت اطلاعات آخوندها، بی حد و حصر است و حداقل قبل از نوشتن این جملات لحظه ای فکر نکردند که این همه صفات نیک و این همه نیرو با این ویژگیها کجا و حول چه محور و لنگری جمع شده اند که در مقابل تمام طوفانهای حوادث، چون کوه استوار ایستاده اند. راستی اگر نیروها و رزم آوران آزادی دارای این صفات هستند دیگر و کالت یک تفاله مزدور افشاء شده چه حاجت است؟

نامبرده در عین حال که گاف کرده و بند را آب داده است، در عین حال میخوهد «آگاهترین، صادق ترین، فداکارترین و رشیدترین فرزندان خلق» را به خیال خود از رهبران نشان جدا کند و آنان را به جان آمده جلوه دهد! این کوه تناقض را فقط حمایاری چون او میتواند حمل کند.

به ادعای وی در داخل سازمان مجاهدین، افراد ناراضی بدون وکیل مدافع محاکمه میشوند. طفلکی در دیدار با نماینده وزارت اطلاعات آخوندی به یک درجه و کالت هم نائل آمده است تا به دفاع از افرادی پردازد که با عزمی راسخ در صفوف رزمندگان آزادی میباشند و نه نیازی به دفاع او دارند و نه منتظر چراغ سبز اقتاد در کشورهای اروپایی هستند. همانها که در آینده ای نه چندان دور خودشان با صغیر مسلسلهایشان در اوج زندگی، و یا با خونشان بر

قله رفیع شهادت، به دفاع از آرمانهای انقلابیشان و به دفاع از خلق قهرمان ایران برخوانند خاست. نکته بعد اینکه شخص منور مزبور پس از کسب اطمینان از اینکه به یکی از کشورهای اروپایی رسانده شده خودش را در امن ترین نقطه برای خیانت و مزدوری و نزدیکی به یک گونی تفاله دیگر یافته و می گوید «لازم میدانم اکنون بدین وسیله جدانشدن خود را از جریان موسوم به سازمان مجاهدین خلق اعلام کنم!»

حال باید گفت، اگر این «اعلام جدایی» دیررس (پس از افشاء در گزارش مدیریت ضداطلاعات ارتش آزادیبخش) «برای کسب آرزوهای دیرین آزادی ورهائی مردم ایران» است و از گم کردن یک مأمور اعزامی وزارت اطلاعات نیست، لطفاً بفرمایید در جلوتر از ارتش آزادی، یعنی نزدیکتر به مرز ایران، پایگاه و میدان رزم بنا کنید و از آنجا به مبارزه با رژیم ضد ایرانی به مبارزه برخیزید تا اعتماد خلق را به خود جذب کنید تا خلق نیز به یاری شما بشتابند. آخر رژیم جمهوری اسلامی، در ونیز یا در کنار رود سن که حاکم نیست ...

در غیر اینصورت ... یکبار مصرف خواهی بود که پس از قی کردن خزعبلات بدور افکنده خواهی شد. زیرا این راه را پیش تر از تو افرادی دیگر رفته اند و طرفی نیستند: کریم حقی، علی قرآستی، نوروزعلی رضوانی و ...

هدف از نوشتن این مطلب از اساس، نه دفاع از مجاهدین و رهبران آنان و نه دفاع از مناسبات درونی مجاهدین و ارتش آزادی است زیرا نیازی به این کار ندارند. خون یکصد و بیست هزار شهید چون برق درخشان خورشید برپاکبازی و صداقت رهبری این مقاومت آقای مسعود رجوی و رئیس جمهور برگزیده اش خانم مریم رجوی و بر حقانیت این راه و این مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی گواهی خواهد داد و اعتماد توده ها نیز در همین خون و خیزش های عظیم مردم متبلور میشود.

من برای پاسخگویی به اطلاعاتیه نوکر دست چندم وزارت اطلاعات دست به قلم نبرده ام آنچه مرا به این امر واداشت مسئولیت و وجدان انقلابی است که بر هر انقلابی حکم میکند همواره هوشیار و آماده در کمین لحظه ها بشتابند و مرز داشته باشد و خود را از آلودگی بزداید.

اینجانب بعنوان یک انقلابی در صفوف ارتش آزادیبخش در خلال سالیان حضورم شاهد حقایقی بوده ام که می بایست به آن گواهی دهم و همچنین نسبت به مفاهیم و عباراتی چون «مردم ستم دیده» و «اعتماد توده ها» که برای مزدوری و خدمت به رژیم مورد سواستفاده مزدور وزارت اطلاعات قرار گرفته اند، احساس و رابطه ای دارم که باید پاسخ بدهم: دست خردکوتاه! دهانت را آب بکش و واژه ها و مفاهیم را آلوده نکن.

علی مرادی
۸۱/۵/۱۲

کسی که نشستههای انتقاد و انتقاد از خود (عملیات جاری) را که یکی از اصول تشکیلاتی هر سازمان انقلابی است، «بیدادگاه» میخواند و مجاهدان و رزمندگان ارتش آزادیبخش را بعنوان محکومینی که بدون حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع محاکمه شده اند، جلوه میدهد، چرا و بخاطر چه کسی و در برابر چه چیزی اینچنین لاطاللات مسخره و احمقانه را عنوان میکند؟

حال آنکه ما خود شاهد بوده ایم که سازمان مجاهدین خلق ایران از افرادی که نفوذی بوده اند و از طرف وزارت اطلاعات آخوندی فرستاده شده اند نیز، هیچ حساسی نکرده و فقط با بیان نام آنها بعنوان مزدور و جاسوس، آنها را آزاد کرده است که این خود نشانگر قدرت سازمان و رهبری مقاومت است و البته هر کس یا هر گروهی را توان این کار نیست.

ابراهیم خدایی
۸۱/۵/۱۲

عجبا که حماقت اطلاعات آخوندها، بی حد و حصر است و حداقل قبل از نوشتن این جملات لحظه ای فکر نکردند که این همه صفات نیک و این همه نیرو با این ویژگیها کجا و حول چه محور و لنگری جمع شده اند که در مقابل تمام طوفانهای حوادث، چون کوه استوار ایستاده اند. راستی اگر نیروها و رزم آوران آزادی دارای این صفات هستند دیگر و کالت یک تفاله مزدور افشاء شده چه حاجت است؟

نامبرده در عین حال که گاف کرده و بند را آب داده است، در عین حال میخوهد «آگاهترین، صادق ترین، فداکارترین و رشیدترین فرزندان خلق» را به خیال خود از رهبران نشان جدا کند و آنان را به جان آمده جلوه دهد! این کوه تناقض را فقط حمایاری چون او میتواند حمل کند.

به ادعای وی در داخل سازمان مجاهدین، افراد ناراضی بدون وکیل مدافع محاکمه میشوند. طفلکی در دیدار با نماینده وزارت اطلاعات آخوندی به یک درجه و کالت هم نائل آمده است تا به دفاع از افرادی پردازد که با عزمی راسخ در صفوف رزمندگان آزادی میباشند و نه نیازی به دفاع او دارند و نه منتظر چراغ سبز اقتاد در کشورهای اروپایی هستند. همانها که در آینده ای نه چندان دور خودشان با صغیر مسلسلهایشان در اوج زندگی، و یا با خونشان بر

قله رفیع شهادت، به دفاع از آرمانهای انقلابیشان و به دفاع از خلق قهرمان ایران برخوانند خاست. نکته بعد اینکه شخص منور مزبور پس از کسب اطمینان از اینکه به یکی از کشورهای اروپایی رسانده شده خودش را در امن ترین نقطه برای خیانت و مزدوری و نزدیکی به یک گونی تفاله دیگر یافته و می گوید «لازم میدانم اکنون بدین وسیله جدانشدن خود را از جریان موسوم به سازمان مجاهدین خلق اعلام کنم!»

حال باید گفت، اگر این «اعلام جدایی» دیررس (پس از افشاء در گزارش مدیریت ضداطلاعات ارتش آزادیبخش) «برای کسب آرزوهای دیرین آزادی ورهائی مردم ایران» است و از گم کردن یک مأمور اعزامی وزارت اطلاعات نیست، لطفاً بفرمایید در جلوتر از ارتش آزادی، یعنی نزدیکتر به مرز ایران، پایگاه و میدان رزم بنا کنید و از آنجا به مبارزه با رژیم ضد ایرانی به مبارزه برخیزید تا اعتماد خلق را به خود جذب کنید تا خلق نیز به یاری شما بشتابند. آخر رژیم جمهوری اسلامی، در ونیز یا در کنار رود سن که حاکم نیست ...

در غیر اینصورت ... یکبار مصرف خواهی بود که پس از قی کردن خزعبلات بدور افکنده خواهی شد. زیرا این راه را پیش تر از تو افرادی دیگر رفته اند و طرفی نیستند: کریم حقی، علی قرآستی، نوروزعلی رضوانی و ...

هدف از نوشتن این مطلب از اساس، نه دفاع از مجاهدین و رهبران آنان و نه دفاع از مناسبات درونی مجاهدین و ارتش آزادی است زیرا نیازی به این کار ندارند. خون یکصد و بیست هزار شهید چون برق درخشان خورشید برپاکبازی و صداقت رهبری این مقاومت آقای مسعود رجوی و رئیس جمهور برگزیده اش خانم مریم رجوی و بر حقانیت این راه و این مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی گواهی خواهد داد و اعتماد توده ها نیز در همین خون و خیزش های عظیم مردم متبلور میشود.

من برای پاسخگویی به اطلاعاتیه نوکر دست چندم وزارت اطلاعات دست به قلم نبرده ام آنچه مرا به این امر واداشت مسئولیت و وجدان انقلابی است که بر هر انقلابی حکم میکند همواره هوشیار و آماده در کمین لحظه ها بشتابند و مرز داشته باشد و خود را از آلودگی بزداید.

اینجانب بعنوان یک انقلابی در صفوف ارتش آزادیبخش در خلال سالیان حضورم شاهد حقایقی بوده ام که می بایست به آن گواهی دهم و همچنین نسبت به مفاهیم و عباراتی چون «مردم ستم دیده» و «اعتماد توده ها» که برای مزدوری و خدمت به رژیم مورد سواستفاده مزدور وزارت اطلاعات قرار گرفته اند، احساس و رابطه ای دارم که باید پاسخ بدهم: دست خردکوتاه! دهانت را آب بکش و واژه ها و مفاهیم را آلوده نکن.

علی مرادی
۸۱/۵/۱۲